

اعتدال، پیش درآمد توسعه سیاسی

چندی است فضای سیاسی کشور تحت تاثیر شعار اعتدال در عرصه اجرایی قرار دارد؛ که نشاتگر این مطلب است که اعتدال جز «مطالبات مردم و نیاز اساسی مردم در زمان کنونی است» این مطالبه توانست در عرصه عمومی مقبولیت عامه مردم را از آن خود کند و از میان شعارهای انتخاباتی؛ رتبه اول را از آن اعتدال نماید.

معنا و مفهوم اعتدال در ادبیات سیاسی ویژه بسترهای سیاسی و اجتماعی خاص است و مفهومی نخواهد بود که در خلا شکل گرفته باشد و اساسا اینگونه مفاهیم در خلا شکل نخواهد گرفت و در فضای خاص قابلیت فهم را خواهد داشت در شرایط کنونی اگر راهبردها و شعارهای دولتهای قبلی را از نظر بگذرانیم، می توانیم برای این شعار نیز فضای سیاسی را مناسب بدانیم.

اگر در دورانی شعار و مولفه های اجرایی مبتنی بر سازندگی و پیشرفت و توسعه در نظر بگیریم و در دوره های بعد توسعه سیاسی را ملاک عمل در عرصه اجرایی و در دوره بعد گفتمان مبتنی بر عدالت اجتماعی را مد نظر قرار دهیم؛ اکنون زمان آن فرا رسیده تا گفتمان مبتنی بر اعتدال سر لوحه کار سیاست پیشگان قرار گیرد. پس صحبت از اعتدال در این چارچوب قابل فهم خواهد بود.

در گفتمان اعتدال، نگرش های اقتصادی چه به صورت خرد و چه به شکل کلان می تواند بازخوردهای خاص خود را در حوزه های مختلف از جمله حوزه فرهنگی-اجتماعی، حوزه سیاسی، حوزه اقتصادی نمایان سازد.

ضعف های بسیاری که در حوزه فرهنگی-اجتماعی در سالیان اخیر نفوذ کرده است و همانند موریانه بر پیکر فرهنگ عمومی رسوخ کرده است. و با اعتدال در این بخش به حداقل آسیب های موجود نزدیک خواهد شد. در این عرصه و خصوصا در بحث فرهنگ عمومی، اجرای قوانین پلیسی و امنیتی بر پیکر این بخش آسیب جدی وارد ساخته است که نیاز به بازسازی مجدد دارد. سایر نهادهای صنفی و اجتماعی نیز در پرتوی اعتدال نیز قابل بازسازی است.

ضروری است احترام به حقوق ملت از جانب دولت رعایت شود و حقوق اساسی مردم به آنان بازگردد و نگاه امنیتی از مردم جایی خود را به نگاه احترامآمیز به مردم دهد. به خصوص رویکرد پلیسی به مقوله فرهنگ باید تغییر یابد. فرهنگی که از نقطه ابتدایی خود از خانواده ها آغاز و در یک سیکلی با فرهنگ عمومی جامعه پیوند خورده و نتیجه آن هویتی می شود که امروز شاهد آن هستیم، با نگاه پلیسی حل نخواهد شد. فرهنگ باید به دست علمای فرهنگ سپرده شود و به خاطر داشته باشیم فرهنگ غلط با فرهنگ صحیح قابل اصلاح خواهد بود.

در حوزه سیاسی نیز در دو بخش یعنی سیاست داخلی و سیاست خارجی مسائلی به ظاهر بن بست وجود دارد که آن هم نتایج فاجعه آمیزی است که از سوی مجریان بر سیاست داخلی و خارجی ما در این چند سال اخیر رفته است. اعتماد عمومی که از کشورهای منطقه و همچنین سایر کشورها از ما سلب شده است، پروژه هسته ای و نوع خوانش آن توسط مجریان امور ضربات سنگینی به امنیت ملی ما وارد آورده است. با تغییر رویکرد افراط گرایانه به این عرصه و جایگزینی رویکرد اعتدالی امید جدی است تا گره از مسائل هسته ای و منطقه ای یکی پس از دیگری گشوده شود و کاهش تحریم ها علیه کشور را شاهد باشیم اما در حوزه سیاست داخلی، خانه نشین کردن نخبگان سیاسی و غیر سیاسی و مسدود کردن فضا برای ظهور اندیشه ها و تضارب آرا و محیطی بسته برای نقادی، گسست ارتباط میان علم و صنعت، استفاده از افراد غیرمتخصص و ناکارآمد و عدم شایسته سالاری در مدیریت اجرایی، عدم پابندی به اخلاق که منجر به تهمت های ناروا علیه انقلابیون اصیل و به عبارتی نخبگان سیاسی دگراندیش، در پیشبرد اهداف دموکراتیک و مترقی امور اجرایی به شدت چالش ایجاد نمود و در نهایت ادامه این وضع موجود به دخالت مردم در امور خویش انجامید و با انتخابی شایسته خواستار تغییر رویه موجود گردید. در این عرصه نیز اجرای سیاست های اعتدالی می تواند شرایط موجود را به نفع مردم تغییر دهد.

اما اساسی ترین و مهمترین بخش اجرایی کشور را امور اقتصادی در بر می گیرد؛ که ما حصل آن چه در حوزه های اجتماعی و سیاسی مورد اجرا قرار می گیرد را می توان به نوعی در آینه اقتصاد مشاهده نمود. طرح هدفمندی یارانه ها که مورد توجه قرار گرفته است و قانون آن توسط مجلس شورای اسلامی ابلاغ شده است و در واری آن قیمت ها واقعی شوند و تولید نیز فعال شود. و از آن سو بخشی از طبقه ضعیف جامعه برای هم خوانی با جامعه باید کمکی از دولت بگیرد. اما در حوزه عمل چنین اتفاقی به وقوع نپیوست و تولید جایی خویش را به نقدینگی افسار گسیخته در جامعه داد که آن هم نتیجه عدم اجرای صحیح طرح هدفمندی بود. و در نهایت تورمی که این روزها شاهد آن هستیم. در این بخش نیز اجرای صحیح طرح هدفمندی از دولت جدید انتظار می رود تا در سایه اجرای صحیح تولید فعال گردد سپس پیوند خود را با نظام دانشگاهی و به طور کلی با علم برقرار نماید تا در نهایت با تکنولوژی های جدید نیز پیوند برقرار سازد.

در نتیجه رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم که هدف نهایی این طرح می باشد را شاهد باشیم اما شاه کلید این معماهای به وجود آمده همانا اعتدال در امور اجرایی کشور است و فراموش نکنیم اعتدال می تواند یکی از مولفه های توسعه سیاسی قلمداد گردد تا بتواند جامعه را به سمت توسعه سیاسی سوق دهد.